



زحمتکشان روستای
صوفیان (اشنوریه)
با مقاومت قهرمانانه
خود، سرکوبگران را
عقب راندند.

■ **کاک علی گلچینی (صلاح ره‌ش)**
فرمانده نظامی پیشمرگان کومه‌له
در سنجج همراه با هم‌رزم فدائویش
"کاک صالح بوریه‌ری" طی یک نبرد قهرمانانه
با مزدوران بعث (رزگاری) بشهادت رسیدند.
■ **یکی از پایگاه‌های اصلی مزدوران رزگاری**
بتصرف پیشمرگان کومه‌له درآمد و مقادیر
زیادی اسلحه سبک و سنگین به غنیمت گرفته
★ ★ ★ ★ ★ شد. ★ ★ ★ ★ ★

۵۹/۹/۲ - نیروهای سرکوبگر رژیم جمهوری اسلامی که چندین هفتاد و هشتاد دست به کشتار زحمتکشان "صوفیان" و آتش‌زدن و ویران کردن خانه‌های آنان زدند، مجدداً بطرف این روستا حرکت کردند. اما روستائیان داغ‌سده که بد رستی دریا نرفته بودند در مقابل سرکوبگران چاره‌ای جز مقاومت سر سختانه و دفاع از جان و مال و ناموسشان ندانند. در نبرد یکی روستا نگر بندی نمود و او را بر آنسانان کاند. و طی یک نبرد قهرمانانه ده‌ها زنی از مزدوران رژیم را به هلاکت رساندند. وقتی خبر مقاومت مردم روستای صوفیان در منطقه پیچید، ده‌ها زنی از زحمتکشان روستاهای مجاور یکمک آنها آمدند. سرانجام صف بهم فشرد و هزاره‌ها آه‌نشین مرد هستند - بد صوفیان و روستاهای مجاور مزدوران ارتجاع را وارد اره عقب نشینی نمود. این نمونه و نمونه‌های متعدد دیگر مقاومت قهرمانانه در روستاهای پر رزگی میباشند که روستائیان روزمند و زحمتکش کرد به قیمت خون صد ها نفر از نژادشان تخریب کرده‌اند. دشمن هیچگاه قادر نخواهد بود این سنگسرمطمئن مقاومت تودها را بشکند. بقیه در صفحه ۳۰

هم‌میهنان مبارز!

بطوریکه در خبرنامه شماره ۹۶ به آگاهیتان رساندیم، سازمان‌های از چندین هفتاد و هشتاد گسترده‌ای را برای کسب و گسترده‌سازی منطقه‌ها و روستاهای رزگاری آغاز کرده و طی روزهای اخیر در این زمینه پیروزی‌های بزرگی دست یافته‌است. مزدوران رزگاری‌ها شکست‌های بی‌دری به سمت نقاط دور افتاده و روستاهای عقب نشینی کرده‌اند و پیشمرگان ما با قاطعیت از نفوذ آنها به مناطق مرکزی جلوگیری می‌نمایند. طی این نبردها عده‌ای از این مزدوران دستگیر و خلع سلاح گردیدند و همچنین عده‌ها زنی به هلاکت رسیدند. و مقاومت بی‌سبک و بی‌رحمانه سلاح‌های سبک و سنگین و مهمات

بخنیمت گرفته شده‌است. این مبارزه بگرمی از سوی مردم منطقه پشتیبانی میشود و پیشمرگان ما همه جا با استقبال پر شور روستائیان روبرو میگرددند. مزدوران رزگاری طی مدت اقامت خود در روستاهای این منطقه همواره با بی‌وفایی و خیانت روبرو میگرددند. علاوه بر این سرسپردگی آنها به رژیم بعث عراق مورد تنفر روستائیان نبوده است. یکی از آخرین درگیری‌های ما با این مزدوران در تاریخ ۲۸/۸-۵۹ منجر به کشته شدن عده‌ای از آنها و تسخیر یکی از پایگاه‌های اصلی شان در روستای "دهل شد" و در روز ۳/۹/۵۹ در یک نبرد قهرمانانه، دیگر که طی آن تلفات زیادی به مزدوران رزگاری وارد آمد بقیه در صفحه ۲

با کمال تأسف فرمانده نظامی نیروهای پیشمرگ ما در سنندج و عضو کوهپایه‌هاک طی گنجینی که ما نام تشکیلاتی "صلاح رزم" شناخته میشد، همراه ما هم‌رزم فدائیکار کاک صالح بهر پوری به شهادت رسیدند. شهادت کاک صالح قلبیه به پیشمرگان کوهپایه مردم سنندج و روستاهای اطراف همه کسانی را که از نزدیک با وی آشنا بودند بدر آورد. شهادت کاک صالح و کاک صالح ایما ن نیروهای ما را به ادامه مبارزه بی‌امان در راه مسرخ رهایی زحمتکشان محکوم میسازد.

شهید طی گنجینی (کاک صالح) در سال ۱۳۲۶ در خانوادهای فقیر در شهر سنندج به دنیا آمد. تحصیلات خود را تا سال پنجم دبیرستان ادامه داد. از کلاس چهارم دبستان به علت فقرمادی خانوادها و ضمن تحصیل روزنامه فروشی و دست فروشی هم میکرد. در تابستان روزها کارگری میکرد و شبها در کتا بفروشی بکار میردا. خت، در کتا بفروشی اوقات فراغت خود را با خواندن کتاب برای رفقای زحمتکش خود میگذراند. در سال ۱۳۲۷ به آموزشگاه گروهبانی رفت و یکسال پس از طی دوره آموزشی به ژاندارمری استان کردستان منتقل گردید. فقر و استعمار حاکم بر زندگی زحمتکشان و مطالبه کتابها و آثار انقلابی او را هر روز بیشتر مسا ئل سیاسی ملامت میساخت و شور و شوق مبارزاتش را بالا میرد. پس از چندین ماه حکاماری مدهای از رفقای مبارزش یک قبضه مسلسل بیوزی را از محل کارش خارج ساخت که بوسیله آن یکی از مژدوران رژیم شاه را تسور کردند. مدتی پس از آن که کم شدن اسلحه بیوزی آشکار گردید، ما موهین رژیم به کاک صالح مشکوک شدند و او را دستگیر کردند. کاک صالح ۳۱ روز تحت بازجویی و شکنجه قرار گرفت. با غالب زوارش را نگشود و تا سوزن رژیم شاه مژد بر نتوانستند

حقیقت این جریان را کشف کنند. سرانجام او را به بلوچستان تبعید کردند. در سال ۱۳۵۲ او را به ساری و از آنجا به سنندج و از سنندج به پادگان جلدیان فرستاده شد. در پادگان جلدیان روابط نزدیک و بسیار صمیمانه ای با سرها زان برقرار نمود و بدینوسیله فعلا نهرای به بالا بردن آگاهی سیاسی سرها زان و درجه داران تلاش مینمود. هم چنین با زحمتکشان روستاهای اطراف پادگان در ارتباط بود و در میان آنها به فعالیت سیاسی می پرداخت.

در سال ۱۳۵۲ که جریان مبارزات توده های مردم ایران بر طبقه رژیم شاه سر تا سری شد، کاک صالح از پادگان فرا رگردد و وارد صف مبارزین شهر قهرمان سنندج شد. وی طرز ساختن نارنجک دستی و انواع بمبها را به زان ضد رژیم شاه میسازد. مدتی بعد مژدوران رژیم شاه او را در منزل محاصره و دستگیر کردند و مقداری وسائل چاپ و مواد منفجره و کتاب از خانه اش کشف کرده و با خود بردند. یک هفته در سنندج او را تحت شکنجه قرار دادند و سپس در پادگان جلدیان زندانی نمودند. در این زمان مردم مبارز نقد و در تظاهرات خود بر طبقه رژیم شاه آزادی کاک طی گنجینی (صلاح) را یکی از خواست های خود تهدید کرد میبودند. سر انجام کاک صالح در ۲۴ بهمن آزاد گردید و بعد از آزادی به ننده رفت و مورد استقبال قرار گرفت.

کاک صالح به توصیه رفقای مبارز و انقلابش بعد از قیام در ساره وارد ارتش گردید و در سنندج بکار در میان سرها زان و درجه داران - مبارز و انقلابی پرداخت. و در همین زمان همراه ماهد های دیگر از رفقای هم‌رزم "هسته آرمان زحمتکشان" را تشکیل داد.

در جنگ نوروز خونین سنندج برای دفاع از مردم شهر و ستاور د -

های قیام در صف مقدم فعالانه شرکت کرد. در جریان مبارزات دهقانان منطقه کامیاران به منظور پس گرفتن زمینهای مصادف شده از فتودالهای "الک" و "سیسد اسماعیل" و همچنین در جریان مبارزات دهقانان روستاهای "تازه آباد" و "باغچه" فعالانه شرکت داشت. در راهیها قسی تاریخی مردم سنندج بسوی مرهوان یکی از مسئولین نظامی پیشمرگان محافظ راهیها قی بود.

در جریان آموزش ۲۸ مرداد به کردستان با اکثریت رفقای هسته آرمان زحمتکشان که از قبل با خط مشی کوهپایه آشنا شده و از نزدیک همکاری داشتند با سازمان به وحدت سیاسی - تشکیلاتی رسیدند. و در این رابطه کاک صالح در اطراف سردشت وارد صف پیشمرگان کوهپایه شد. و هند رنج در جریان فعالیت سیاسی و شرکت در عملیات با رتیزانی فدائیکاری و کاردانی و شیوخ خود را با ثبات رسانید. مدتی بعد بعنوان مسئول یک دسته پیشمرگان با اطراف سنندج مراجعت نمود و سپس بد تبال پیروزی نیروهای جنبش مقاومت به همراه یکی پیشمرگان کوهپایه وارد شهر سنندج شدند.

کاک صالح و رفیق هم‌رزم شهید شوان نقش برجسته خود را بعنوان مسئول نظامی در اداره پیشمرگان و کارهای شهر نشان دادند. این رفیق قهرمان هر یک مسئولیت آموزش نظامی و سازمان دادن قسمتی از پیشمرگان جدید و هوادار را عهده دار بودند. کاک صالح بدلیل خصوصیات برجسته اش از محبوبیت بی اندازهای در میان پیشمرگان برخوردار بود. از این رو بعنوان مسئول و فرمانده نظامی ناحیه سنندج انتخاب شد و همیشه همراه پیشمرگان در رینامه های جمعی کمک به مردم شهر شرکت داشت و در کلاسهای سیاسی و بحثهای عمومی و جلسات انتقاد و

مراسم بجاک سپاری شهید کاک علی گلچینی صلاح

باشرکت زحمتکشان راوورو

جنازه کاک علی گلچینی (صلاح) (رض) در میان اندوهی پامان زحمتکشان منطقه پروری دوش مردم زحمتکش تاروستای "ژان" و از آنجا به بیساران وسپس به "اوهینگ" حمل و در آنجا طی مراسم پرشوری بجاک سپرد شد. در این مراسم پیشمرگان کوپله ززندگی و مبارزات و سرانجام شهادت قهرمانان کاک صلاح و شهید زحمتکش کاک صالح پروری برای مردم مبارز اوینگ سخن گفتند و سپس چند سرود انقلابی خواند شد. به درخواست مردم مراسم عزای این شهید قهرمان تا سه روز ادامه داشت و مردم روستاهای اطراف طی این سه روز سته دستها اوینگ آمد و هر سر مزار را می رفتند. در روز سوم مراسم پرشوری بگری باشرکت عدلکثیری از مردم روستاهای منطقه ژان و در اوینگ برگزار گردید. ساعت ۲/۵ بعد از ظهر جمعیت با دادن شعارهای انقلابی و خواندن سرود بسوی مزار شهید حرکت نمود و در آنجا سخنرانی هائی در مورد مبارزات انقلابی کاک صلاح و همچنین جنایات مزدوران بعث در آن منطقه ایراد گردید. در پایان سرود کاک شوان بطور سته جمعی خواند شد و سپس جمعیت با تظاهرات و دادن شعار بسوی روستا حرکت نمود. بعضی از شعارها چنین بودند:

کاک سلا حی فید اکسار
رهیق واری جوتسار
کاک سلا حی قاره ممان
شهید یزه همه تکیشمان
سپیند به بیرونی سروات
دریژهی همه ریگسات

کاک شوان سقولیت بیرون سپردن پیشمرگان و مبارزان را از شهر محاصره شد و بعد گرفت و کاک صلاح سقولیت سازماندهی نیروهای پراکنده "بنکه" ها را به پیوسته داشت و در مدت چند ساعت کسانی را که خطر گرفتار شدن بدست مزدوران رژیم وجود داشت شناسائی کرده و سازمان داد و خود همراه آخرین گروه از شهر خارج شد. بعد از خروج پیشمرگان از شهر وی بطور خستگی ناپذیر در مسازماندهی پیشمرگان و هواداران جدیگا که به صفوف پیوسته بودند شرکت کرد و بطور خستگی ناپذیر به ترویج خط مشی و برپا نگه داشتن رهن آسان پرداخت. کاک صلاح هر وقت فرصتی می یافت در حقانان زحمتکش رادارگاهای تولیدی بیاری میداد و پیشمرگان را نیز شرکت در این امر تشویق می نمود و از این طریق در ارتقا آگاهی سیاسی توده های زحمتکش میکوشید. اوها هم مبارزه طبقاتی و رهبری طبقه کارگران را این مبارزه ایان داشت و در راه مبارزات دانتش سیاسی خود و رفقای پیش میکوشید. بعد از خروج پیشمرگان از شهر عضویت او در سازمان از طرف رفقای سندنندج پیشنها شد و مورد قبول قرار گرفت.

سرانجام در روز سوم آذرماه ۵۹ در حالیکه یک دسته از پیشمرگان کوپله همراه کاک صلاح از تعقیب مزدوران زرگاری در روستای "گولمز" بطرف روستای "دهل" برمی گشتند توسط عده ای از این مزدوران غافلگیر شده و زیر آتش قرار گرفتند. درگیری آغاز شد و ساعت ۶ صبح بمدت ۲ ساعت ادامه یافت و مزدوران سنگرهای خود را رها کرده و فرار کردند و بعد های از آنها نیز به هلاکت رسیدند.

اما متاسفانه در این نبرد کاک صلاح و کاک صالح پروری به شهادت رسیدند.



انتقاد از خود بعنوان پیشمرک مسئول و دلسوز سعی در برآوردن آگاهی سیاسی و تئوریک رفقا داشت. او در تنظیم و طرح برنامهای کوپله در سندنندج سهم بسزائی داشت. کاک صلاح در طرح برنامهای کوپله در سندنندج و در زرگاری و اجرای درست آن همراهها دیگر رفقا شرکت داشت.

نقش برجسته کاک صلاح در دوران جنگ خونین سندنندج در اردیبهشت ۹۹ بعنوان مسئول نظامی که با اصلی سازماندهی جنگ را برعهده داشت آشکار گردید. وی در طول جنگ شبانه روز و بطور خستگی ناپذیر در تهیه و تنظیم برنامهای جنگی و سازماندهی پیشمرگان کوپله و سرکشی به جبهه های جنگ پروری مشکلات جبهه ها و طرح برنامهای نظامی شرکت داشت.

روحیه عالی کاک صلاح در تمام مدت جنگ پیشمرگان و مردم را که با وی در تماس بودند تحت تأثیر قرار داد بود. کاک صلاح با این اصل ایمان داشت که تنها با مقاومت سرسختانه میتوان سرکوبگران جمهوری اسلامی را وادار به عقب نشینی نمود. او ضمن فرماندهی عملیات از توجه بزرنگی روزمره مردم نیز قائل نبود و همیشه سعی میکرد مشکلاتی را که در اثر جنگ برای آنها بوجود آمد مهود بیاری پیشمرگان سازد. سرحد امکان برطرف کند. کاک صلاح همیشه به رفقا توصیه میکرد که: "مبارزه مسلحانه تنها با شرکت و پشتیبانی توده ها پیروز خواهد شد".

مرد قهرمان سندنندج و رفقای پیشمرک خوب بخاطر در اندک کاک صلاح در سخت ترین شرایط هم سر حال بود و با وجود کار زیاد و طاقت فرسا هیچوقت از توضیح مسائل برای پیشمرگان و رسیدگی به مشکلات آنها کوتاهی نمیکرد.

زمانی که ضرورت خروج پیشمرگان از شهر مطرح شد و هنگامیکه شهید

(کاک صلاح فد اکاره رفیق و ساجد
د هقان و شهید زحمتکشان و به
آرامت قسم که راهت ادامه دارد)
هزگ بوجا شه خو فروشه کانی رزگاری
(مرگ برجاشهای خود فروخته
رزگاری)

مردم قهرمان روستای اشنوی دوش به دوش پیشمرگان در سنگر مقاومت بامزدوران رژیم میجنگند.

۵۹/۹/۳ - نزد یکی های
ظہار ارتشیان پاسداران مستقر در
"پیرناصر" بطرف روستای حسن
نوران و "چشم گول" حرکت
کردند. در همان لحظات اول یک
خودرو آنها به مینی که توسط
پیشمرگان کارگرداشته بود، برخورد
کرده که در نتیجه تمام سرنشینان آن
بہلاکت رسیدند. در همین حال
پیشمرگان کومه و حزب دتکرات و
مردم روستای اطراف که قبلاً از
پرویز نیروهای سرکوبگر خبردار شده
بودند برای مقابله با آنان در بلندی
های اطراف سنگر گرفته بودند و
ستون ریز آتش سلاحيای خود قرار
دادند. تا تکمیل دشمن در زین
آتش سلاحيای پیشمرگان قادر به
پیشروی نبودند. منطقه درگیری
بسیار وسیع و از روستای حسن نوران
تا چشم گول همه جا سنگر مقاومت
مردم و پیشمرگان بود. تلفات
سنگینی به نیروهای دشمن وارد
آمد و هلی کوپترها برای جمع آوری
کشته و زخمیهاشان قادر به فرود
آمدن نبودند. نیروهای رژیم که
خود را در خطرنا بودی میدیدند
مجبور به عقب نشینی شدند و به یک
جنارزه و تعدادی اسلحه ژ - ۳ و
مقداری مهمات از خود بجسای
گذاشتند که بدست پیشمرگان و
مردم افتاد. بر اثر صابست
خهاره در روستای "حسن نوران"
یک زن شهید شد. بمردم پیش -

مرگان که در جبهه بودند، آسیبی
نرسید.

عدای از مردم حتی بدوین سلاح
به سنگرهای پیشمرگان آمد بودند
و با روحیه عالی در کارهای مختلف
پیشمرگان را یاری میدادند.
مردم زحمتکش روستاها بخوبی
بی بردمانند که برای دفاع از جان و
مال خود باید فعالانه در این
مقاومت عادلانه شرکت کنند.

● ۵۹/۹/۳ - فانتومها و
هلی کوپترهای جمهوری اسلامی
چندین روستای این منطقه را بمباران
کردند. خانه های زیبا که بر اثر بمب
ناپالم ویران گردیده است. از اهالی
روستای "باب خالو" یک نفر و در
روستای "بی گله" یک زن ۲۵ ساله
بنام حلیه یک مرد ۶ ساله
شهید شده اند. در منفرد نیز در جبهه
این بمباران زخمی شدند.

● ۵۹/۸/۳۰ - هلی کوپترهای
ارتش جمهوری اسلامی ضمن اینکه
روستا های اطراف اشنوی را توسط
راکت و مسلسل های سنگین و وحشیانه
میکوبندند. اطلاعاتی تهدید
آمیز خطاب بمردم منطقه پخش
نمودند. روز بعد (۵۹/۹/۱)
نیروهای ژاندارمری به همراه جاشها
بطرف قلاتان پیشروی نمودند و در
کذاها بگاہ پیرنا صر مستقر شدند.

● عملیات موفقیت آمیز پیشمرگان
کومه له در داخل شهر مابانہ.

۵۹/۹/۳ - ساعت ۷ بعد
از ظهر و دسته از پیشمرگان
کومه له (پهل شهید حامد) و
وارد شهر شد و در یکی از خیابان
های آن یکمین پاسداران و جاشها
نشستند. ساعتی بعد یک سیمرغ
حامل نیروهای دشمن که قصد عبور
از خیابان را داشت، یکمین
پیشمرگان افتاد و وزیر گبار شد. بعد
آتش سلاحيای آنان قرار میگردد و
بطوریکه ۴ سرنشین آن کشته و سلا

زخمی شده و او تومیل آنها کمی
دورترا زمحل درگیری آتش گرفت.
پس از این عملیات پیشمرگان در -
خیابانها و کوچه های شهر به پخش
اعلامیه های کومه له و نوشتن شعار
های انقلابی پرداختند. مردم که
از آمدن آنها به شهر با خبر شده
بودند در کوچه ها اجتماع کرده
و گرمی از آنان استقبال نمودند.
پیشمرگان نیز در مقابل ازاد لانه
بودن جنبش مقاومت و لزوم پشتیبانی
هر چه بیشتر از آن و برایشان سخن
گفتند. در ادامه عملیات خود و
پیشمرگان به با زرسی منازل جاش
ها پرداخته و در تن از آنها را
دستگیر کردند. منزل یکی از
جاشهای نا مبرد نزد یکی مقبر
پاسداران و جاشها بوده و همان
جا نیز دستگیر شد.

انجام این عملیات به روزمندا
موجب دلگرمی مردم شهر و روستا
های اطراف شده است.
● مدتی است که پاسداران به
منازعه های بیوش برد و مواجحتاج مردم
را از قبیل جای و صابون و تاید و...
به بهانه ۳۰ اینکه این کالاها از عراق
آمده است و جمع کرده و با خود می
برند. این عمل باعث کمبود و گران
اجناس مورد احتیاج مردم شده
است.

● پاسگاه ارتشیان و پاسداران
در جاده مهاباد - میان دو آب
زیر ضربات پیشمرگان کومه له

۵۹/۹/۳ - یک ستان پیشمرگان
کومه له (پهل شهید خان معینی)
ارتشیان پاسداران مستقر در محل
پلیس راه مهاباد - میان دو آب را با
سلاح سنگین مورد حمله قرار دادند
که در نتیجه قسمتی از ساختمان
پاسگاه فرو ریخت و حدود ۴ نفر
کشته و تعداد زیادی زخمی شدند.
پس از این عملیات پیشمرگان ۳ سال

بمپایگاه خود بازگشتند .

طسی روزهای اخیر در شهر
مپایاد پاسداران ارتجاع زحمیل
آرد سوخت به نانوایی ها خود
داری کرده اند . بطوریکه پیش از ۱۰
روز استکه نانوا نسی های تعطیل
گردیده اند . تعداد از خانوادها
نیز که قبلاً در تنور منزل خود نان
می پختند ، بر اثر نبودن سوخت
قادر به ادامه کار نیستند .

اعمال این گونه فشارها کینه مردم
بمازمپایاد را نسبت به سرکوبگران
حاکم روز بروز بیشتر خواهد کرد .

● فانقوم های جمهوری

اسلامی دهات سردشت را با ناپالم بمباران کردند

۵۹/۹/۶ - ساعت ۹ صبح دو

فرزند فانقوم جمهوری اسلامی برفراز
آسمان روستای میرثاوی - سردشت
ظاهرگشته و بعد از یک مانور چهار
بمب ناپالم بر روستای " بیلوکه " و
اطراف آن فرود پختند ، که در
نتیجه آن دو وظیفی آسمان
منطقه را فرا گرفت . در پیورش دو
فانقوم با راکت و مسلسل بهمین
روستا حمله کردند . یک دسته از
بمبشمرگان کومهله با یک گروه امداد
خود راه بیلوکه رسانده و امدادی
زخمیها برداختند . در این جریان
۷ نفر از اهالی زخم سطحی
برداشتند ولی دو خانه بگلی پیران
و یک اسب و ۲ گاو تلف شدند .

در حالیکه مردم مشغول کمک به
زخمیها و ساکنین خانه های پیران
شدند ، در ساعت ۱۱ صبح
بارد بگر فانتومها ظاهرگشته و اینبار
روستای " خدرثاوی " و " میرثاوی "
را مورد حمله قرار دادند . در روستا
" میرثاوی " حداقل ۲۵ راکت فرو
ریختند که در اثر آن ۲ نفر بمبهای
حمه لا بمسرخد رومحمد امین
شعبی پشهادت رسید و ۹ نفر
دیگر زخمی شدند .

کاک محمد امین شعبی اهل

روستای گردکشانه از توابع پیرا -
نشهرود و چرخه سا ز بود . وی یکی
از هواداران فعال کومهله
و طرز فساد را راستی
جنبش مقاومت بود . در تابستان
گذشته بجرم هواداری از کومهله
، مفازه اش توسط پاسداران ارتجاع
غارت و همراه زن و سه فرزندش مجبور
به ترک شهر شد . و محلت آوارگی
مردم در میرثاوی ساکن شد . بعد که
در اثر پیورش فانقومهای جمهوری
اسلامی پشهادت رسید . در
همین پیورش فانقومها به روستای
خدرثاوی " در ۵ کیلومتری میرثاوی
۲ بمب مرگ حزب دمکرات بنا مهای
عمرحه و ته وانه وطنی پسرکاک محمد
اهل روستای " گریاساک " به
شهادت رسیدند . در میرثاوی
چندین خانه بر اثر بمباران آسیب
دیدند . در این جریانات مردم
زخمکش روستاهای اطراف یکمک
دهات بمباران شد . فامد نبودند
و آسیب دیدگان این جناسات را
پاری دادند و در تقویت روحیه
آنان کوشیدند .

● رژیم در بهبهان وماه شهر آوارگان را مورد توهین و آزار قرار میدهد .

رژیم جمهوری اسلامی رفتار
توهین آمیزی را نسبت به آوارگان
جنگ خوزستان در پیش گرفته
است . امام جمعه بهبهان اعلام
کرد که ابراهیم افشاری همگی کافر
هستند ، همپ بنزینها از تحویل
بنزین به آنها خود داری میکنند و
عمال رژیم جاقوکشها را بجان آنها
می اندازند . عدو زبانی آوارگان
در بهبهان و ماه شهر در خرابیها

به دستفروشی پرداخت میکنند و
احتیاجات زندگی آنها بسیار
بسختی تامین میگردد . بسیاری از
مواد خوراکی اهدائی مردمان به
جنگ زدگان خوزستان اصلا بدست
آوارگان جنگ نمیرسد و در موارد -
زیادی دیده شد هاست که ماورین
رژیم این مواد را در بازارهای
ماه شهر و بهبهان بفروش می
رسانند .

تاکنون بیش از ۷۰٪ مردم اهواز
از شهر خارج شده و به جمع
آوارگان جنگ پیوسته اند .

● در کمین پیشمرگان کومهله عده ای از پاسداران کشته و زخمی شدند .

۵۹/۹/۲ - ساعت یک بعد
از ظهر پاسداران مستقر در میدان
تویبادگان بسوی روستای
" بورد هقل " پیورش بردند . چند
خانوادهای که در روستا باقی مانده
بودند برای در امان ماندن از
وحشیگریهای پاسداران به
کوههای اطراف گریختند .

پاسداران سپس وارد آبادی
شدند و به تفتیش منازل پرداختند و
مقدار زیادی وسائل منزل و همچنین
تعداد زیادی زرع و خروسهای ده
را با خود بردند .

پاسداران پیرا زمره جغتو در
مسیر خود به کمین پیشمرگان کومهله
افتادند و در زیر آتش شدند
پیشمرگان عده ای از آنها کشته و
زخمی شدند ، و وسایل غارت شده
را بجا گذاشته و سراسیمه از محل
در گری فرار کردند .

۵۹/۹/۲ - بر اثر خرابیها و بمباران
روستاهای گلیلی " و " بلمهان " توسط
ارتشیان مستقر در دگان بسوی
یکم پیشمرک کومهله زخمی شد .

بخشی از اعلامیه

(گومهله بوکان)

در رابطه با:

محاصره اقتصادی

کردستان توسط

رژیم جمهوری اسلا

می و تشدید آن در

بوکان توسط

حزب دمکرات

در رابطه با محاصره اقتصادی کردستان توسط رژیم جلوگیری از ورود ما به محتاج زندگی مردم به بوکان و همچنین رفتار حزب دمکرات با وارد کنندگان کالا به این منطقه کومه بوکان اعلامیه صادر کرده است که در اینجا به ذکر نکاتی از آن میپردازیم:

مشهریان ما را!

... هم اکنون ۹ ماه از محاصره اقتصادی کامل کردستان میگذرد. در این مدت رژیم جمهوری اسلامی از ورود هرگونه ما به محتاج عمومی بکردستان جلوگیری کرده است. مواد غذایی، داروئی و سوختی، حتی در شهرهای تحت تسلط نیروهای سرکوبگر سیار کمپاب و گران است. ... مقامات دولتی از تحویل آورد سوخت مورد نیاز نانوایهای مهاباد خود داری کرده هستند اهالی شهر را در مضیقه گذاشته اند.

با اینکه ارتش و پاسداران در شهرهای سفره، بانه و سنندج به خانه‌ها و مغازه‌ها یورش برده و ذخیره مواد غذایی خانواده‌ها را مصادره کرده و با خود برده‌اند. ... پاسداران می‌اند و آب با کنترل جاده حتی از ورود میوه‌صفی آذربایجان به شهرهای کردستان که همواره بازاری سراسر آن بحساب می‌آمده جلوگیری کرده‌اند. هم اکنون در شهر بوکان به دلیل جلوگیری از ارسال مواد سوختنی و داروئی و وسائل پزشکی و قطع حقوق کارکنان بیمارستان بصورت نیمه تعطیل درآمده و مددجویان بیمارستان دچار اشکال گردیده که مبادا افسار کارکنان و کمک‌اهالی بکار ادامه می‌دهد.

... در چنین شرایطی مردم شهر بوکان و دهات اطراف از راه‌های گوناگون برای تهیه ما به محتاج زندگی اقدام به وارد کردن اجناس نمودند. سوداگران و بیکاران کشاورزان و خانواده‌ها هر کدام به نحوی سعی کردند که راهی برای مبادله و تجارت بین مناطق کرد نشین و ترک نشین پیدا کنند و با رفتن به شهر می‌اند آب و دهات اطراف آن بتوانند ما به محتاج عمومی مانند روغن قند و سوخت و غیره را تهیه نمایند. روشن است که عده‌ای از این اشخاص کمبود کالاها و گرانی آنها استفاده کرده و سعی میکنند با احتکار این مواد هر چه بیشتر زحمتکشان را بچاپند و حیب‌های خود را پر کنند. مادرمی حال که مبارزه با محتکر بزرگ را لازم میدانیم، با دسترسی کنیم که حفظ روابط مبادله و تجارت در بین بوکان و دهات اطراف با مناطق ترک نشین آذربایجان فریبی راهمید و ضروری میدانیم و معتقدیم که این امر با وجود اینکه موجب سوء استفاده بعضی از اشخاص میشود، اما بطور کلی کمبود کالاها و عمومی را تخفیف داده و در نتیجه بر روی ارزان شدن

نسبی قیمت کالاها هم تاثیر میگذارد و خود بخود زمینه احتکار را کمتر میکند. حفظ و ادامه این روابط تجارتي نه فقط از لحاظ اقتصادی بلکه از نظر سیاسی هم بنبفع زحمتکشان کرد و ترک و جنبش مقاومت بوده و باعث میشود توطئه هیأت حاکمه و مرتجعین برای ایجاد کینه و دشمنی بین خلقهای ترک و کرد خنثی شود.

اما حزب دمکرات از مدتها پیش آگاهانه سیاست خود را بر جلوگیری از ورود هر نوع کالا و جریه و مصادره کردن اجناس کسانی که با هزار زحمت از می‌اند آب و اطراف آن موفق به خریداری آنها شده‌اند، قرار داده است. افراد حزب دمکرات روستائیان را که پس از خرید نفت، گاز و شیل، قند، روغن و غیره از می‌اند آب و اطراف آن بسمت بوکان و دهات خود بر میگردند، مورد اذیت و آزار قرار میدهند و آنها را جریمه کرده و کالاهایشان را ضبط میکنند.

... به علاوه این سیاست حزب دمکرات همراه با سیاست دیگران حزب از قبیل حمله به دهات و بی دفاع ترک نشین و غمخواران شهرها هستند و فقط برای جدایی انداختن بین خلق کرد و دیگر خلقهای ایران بسوده و نتیجه‌های جز ایجاد کینه و نفرت بین زحمتکشان ترک و کرد و بیشتر سیاستهای ارتجاعی جمهوری اسلامی ندارد.

سازمان ما جهت خنثی کردن محاصره اقتصادی از اهالی شهر و حومه بوکان دعوت میکند که از هر طریق میتوانند مواد مورد لزوم را وارد کرده و قیمت مادلانهای در اختیار مردم قرار دهند. ... در همین حال به محتکران هشدار میدهند که از زحمتکشان و شهیدستان در برابر غارتگریهای آنها دفاع کرده و با آنها با شدت عمل خواهد کرد.